

بررسی فقهی میزان معتبر در فاصله بین دو عمره مفرده

رضاعندلیبی *

زهرا عشقی **

چکیده

یکی از مباحث اختلافی در احکام عمره، که از اختلاف روایات نشئت گرفته است، میزان معتبر در فاصله بین دو عمره مفرده است؛ «لزوم فاصله یک ساله»، «لزوم فاصله یک ماهه»، «لزوم فاصله ده روزه» و «عدم لزوم فاصله»، چهار نظریه‌ای است که فقها با استناد به ادله فقهی بدان قائل شده‌اند. اکثر قریب به اتفاق فقهای امامیه، از ادله نظریه اول (یک سال)، پس از بررسی ادله، اعراض کرده‌اند و از طرفی روایات اثبات‌کننده نظریه سوم (ده روز) هم از نظر سندی ضعیف است. از این رو قطعاً انجام یک بار عمره در هر ماه مشروع بوده و پژوهش به بررسی مشروعیت انجام عمره مجدد در کمتر از یک ماه اختصاص می‌یابد. نتیجه جمع بین ادله نظریه دوم (یک ماه) و نظریه چهارم (عدم فاصله)، این است که فاصله خاصی برای انجام عمره مجدد معتبر نیست و بیان زمان‌های مختلف (ده روز، یک ماه و یک سال) در روایات، در واقع بیان مراتب فضیلت عمره‌هاست. بدین معنا که هر چقدر فاصله زمانی بین دو عمره بیشتر شود، انجام عمره مجدد مؤکدتر خواهد بود. بنابراین زائر بیت‌الله الحرام می‌تواند به هر تعداد که بخواهد از طرف خود یا دیگران عمره به جا آورد.

کلیدواژه‌ها: عمره مفرده، عمره مجدد، فاصله بین دو عمره، مشروعیت، استحباب.

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم (rezaandalibi61@yahoo.com)

** دانش‌آموخته جامعه الزهراء (z.eshqi@yahoo.com)

در مورد ثواب انجام عمره مفرده، روایات فراوانی از طریق شیعه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۹۵-۳۰۰) و اهل سنت (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲) نقل شده است. هر چند انجام عمره مفرده در برخی از ماه‌ها، همچون ماه رجب (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴-۳۰۰) و ماه مبارک رمضان (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴ و ۳۰۵) دارای ثواب بیشتری است، اما به اجماع امامیه (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۹۹) و نظر بسیاری از فقهای اهل سنت (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳۵؛ نووی، بی تا، ج ۷، ص ۱۴۹؛ عینی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۸؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۸) انجام عمره در تمام ماه‌های سال مشروع است. از این رو هر سال شاهد حضور میلیون‌ها زائر مسلمان از نقاط مختلف جهان در سرزمین وحی هستیم که برای ادای این مناسک مهم عبادی، راهی مکه معظمه می‌شوند.

بیشتر عمره‌گزاران به دلیل اینکه ممکن است دیگر توفیق زیارت بیت‌الله الحرام را پیدا نکنند و با توجه به ثواب بی‌اندازه عمره، دوست دارند افزون بر عمره‌ای که انجام داده‌اند، عمره دیگری از طرف خود یا دیگران (احیا و اموات) به‌جا آورند. از این رو یکی از مسائل مهم و مبتلابه زائران بیت‌الله الحرام و عمره‌گزاران، شناخت فاصله معتبر بین دو عمره است.

این مسئله بین فقهای متقدم، متأخر و معاصر امامیه، به دلیل اختلاف روایات، اختلافی بوده است. از این رو باید اقوال فقها و ادله ایشان بررسی، و وجه جمع بین آنها بیان گردد تا در سایه‌سار این تحقیق، اندیشمندان عرصه فقه الحج بتوانند به

نظریه صحیح دست یابند.

واژه «عمره» از ریشه «ع م ر» مشتق شده است. بیشتر لغویان بدون اشاره به وجه تسمیه عمره، آن را به «زیارت» تفسیر کرده‌اند. (ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۲۹۷؛ صاحب ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۳؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۵۷) هر چند برخی از لغویان وجوه تسمیه‌ای برای واژه عمره بیان کرده‌اند، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۰۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۶۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۶) برخی از اندیشمندان معاصر معتقدند اصل معنای عمره تداوم حیات، آباد کردن و ضد خراب است و چون مسجدالحرام به وسیله عبادت و اطاعت خدا آباد می‌گردد، به اعمال خاصی که انجام می‌شود، عمره اطلاق می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۲۱۹ و ۲۲۰) به نظر می‌رسد نظریه اخیر تناسب بیشتری با ریشه لغت داشته و وجه تسمیه روشن‌تری دارد.

عمره در اصطلاح فقهی، به «زیارت خانه خدا برای انجام مناسک نزد آن» گفته می‌شود. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۰۶؛ زحیلی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۹) که در روایات از آن به «حج اصغر» یاد شده است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۹۵) گفتنی است هر چند عمره به عمره مفرده و عمره تمتع تقسیم می‌شود،^۱ اما در این تحقیق، از عمره مفرده بحث می‌شود. از این رو ابتدا اقوال فقها درباره فاصله معتبر بین دو عمره مفرده و سپس ادله ایشان بررسی می‌گردد.

اقوال فقها

در مورد فاصله معتبر بین دو عمره مفرده، چهار نظریه بین فقها مطرح شده است:

۱. عمره مفرده در تمام طول سال و عمره تمتع تنها یک بار در سال، آن هم در ماه‌های حج تمتع انجام می‌شود.

نظریه اول: فاصله معتبر بین دو عمره مفرده، یک سال است.

این نظریه، از مرحوم ابن ابی عقیل نقل شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۹)

نظریه دوم: فاصله معتبر بین دو عمره مفرده، یک ماه است.

بزرگانی همچون مرحوم شیخ طوسی، (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۳۴) ابوالصلاح، (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۲۱) ابن حمزه، (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۵ و ۱۹۶) ابن زهره، (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۷) محقق حلی، (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۹) علامه حلی، (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۱ و ۳۶۲) شهید اول، (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷) محقق اردبیلی، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹۶) صاحب حدائق، (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۲۱) صاحب ریاض، (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۱۰) محقق شاهرودی (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۱۵۸) و مرحوم فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۴۳) از طرفداران این نظریه هستند.

گفتنی است بیشتر معاصرانی که این نظریه را پذیرفته‌اند، همچون حضرت امام خمینی (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۳) و آیات عظام خویی، (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۵۴) تبریزی، (تبریزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۶) سیستانی، (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۴۵) وحید خراسانی، (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۲) مکارم شیرازی (مکارم، ۱۴۲۷ق، ص ۳۷۹) و صافی گلپایگانی (به احتیاط واجب) (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۲۷) انجام عمره مجدد در کمتر از یک ماه را رجائاً جایز می‌دانند.

نظریه سوم: فاصله معتبر بین دو عمره مفرده، ده روز است.

این نظریه مورد قبول مرحوم شیخ طوسی در بیشتر کتبش (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۸۱؛ همو، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۰؛ همو، ۱۳۷۵ق، ص ۳۱۰؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ همو، ۱۳۸۷ق، ص ۱۵۳) ابن جنید، (علامه

حلی، ۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۹) ابن براج، (ابن براج، ۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱۱) یحیی ابن سعید حلی، (حلی، ۴۰۵ق، ص ۱۷۹) کیدری (کیدری، ۴۱۶ق، ص ۱۸۵) و علامه حلی (علامه حلی، ۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۳۷؛ همو، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۸؛ همو، ۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۰۹؛ همو، ۴۱۱ق، ص ۸۵) است و از متأخران و معاصران کسی به این نظریه تمایل نداشته است.

نظریه چهارم: بین دو عمره مفرده فاصله‌ای معتبر نیست و می‌توان هر روز یک عمره مفرده به جا آورد.

سید مرتضی، (علم‌الهدی، ۴۱۷ق، ص ۳۰۷؛ همو، ۳۸۷ق، ص ۱۰۳) ابن ادريس، (ابن ادريس، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۰ و ۵۴۱) سلار، (سلار، ۴۰۴ق، ص ۱۰۴) محقق حلی، (محقق حلی، ۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۶) علامه حلی،^۱ (علامه حلی، ۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱) فخرالمحققین، (فخرالمحققین، ۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۲) فاضل مقداد، (فاضل مقداد، ۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۶) شهید اول، (شهید اول، ۴۱۰ق، ص ۸۰) شهید ثانی، (شهید ثانی، ۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۵) کاشف اللثام، (فاضل هندی، ۴۱۶ق، ج ۶، ص ۲۹۹) صاحب جواهر، (صاحب جواهر، ۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۴۶۶) مرحوم نراقی، (نراقی، ۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۶۴) صاحب عروه، (یزدی، ۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۹۹) میرزا محمد تقی آملی، (آملی، ۳۸۹ق، ج ۱۲، ص ۳۱۵) محقق سبزواری (سبزواری، ۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۱۴) و آیات عظام گلپایگانی، (گلپایگانی، ۴۱۳ق، ص ۱۸۱) بهجت، (بهجت، ۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۵۹) خامنه‌ای، (خامنه‌ای، بی‌تا، مناسک حج، ص ۱۴) شبیری زنجانی، (شبیری، ۴۲۱ق، ص ۴۶) سبجانی، (سبجانی تبریزی، ۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۷۹) نوری همدانی (افتخاری، ۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۴۶) و مرحوم اشتهاردی (اشتهاردی، ۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۱۷۴) از طرفداران این نظریه هستند.

۱. البته محقق و علامه با حکم به کراهت در کمتر از ده روز.

نسبت این نظریه به اصحاب امامیه (علم الهدی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۰۷) و اکثر متأخران (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۱۰؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۶۲) می‌تواند این نظریه را نظریه مشهور بین قدما و متأخران قرار دهد.

ادله فقها

ابتدا باید ادله هر یک از نظریات، از حیث سند و دلالت، بررسی شود و سپس وجه جمع بین روایات بیان گردد:

ادله نظریه اول (هر سال یک عمره)

روایت اول: صحیحه حلبی

عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْعُمْرَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۹)
تقریب استدلال:

این صحیحه، در مشروعیت انجام تنها یک عمره در سال ظهور دارد.

روایت دوم: صحیحه زراره

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا تَكُونُ عُمْرَتَانِ فِي سَنَةٍ. (همانجا)
تقریب استدلال:

این صحیحه در عدم مشروعیت انجام دو عمره در یک سال صراحت دارد.

بنابراین فاصله معتبر بین دو عمره مفرده، یک سال است.

اشکالات

اشکال اول:

این روایات تقیه‌ای است؛ به ویژه اینکه در روایات نظریه دوم، فاصله یک ماهه به امیرالمؤمنین، علی عليه السلام نسبت داده شده است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۴۷۷) اقوال فقهای عامه، از جمله حسن بصری، ابن سیرین، مالک و نخعی

مبنی بر لزوم فاصله یک ساله، مؤید تقیه‌ای بودن این دو روایت است (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۱۷۲)؛ چراکه علامه حلی چنین نقل می‌کند: «و کره العمرة في السنة مرتين الحسن البصريّ و ابن سيرين و مالك و النخعيّ». (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۹۹)

پاسخ:

اولاً عبارات علامه در نقل قول عامه، کراهت است و این نظریه و روایات دال بر آن، ظاهر در حرمت و عدم مشروعیت هستند. پس نمی‌توان این روایات را با توجه به این نظریات عامه، حمل بر تقیه کرد. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۲۲)

ثانیاً حمل روایات بر تقیه، در مرحله جمع بین روایات و پس از آن مطرح می‌شود که روایات از حیث سند و دلالت تام باشند و با همدیگر تعارض کنند؛ در این صورت می‌توان به عنوان یکی از مرجحات منصوصه، مخالفت با عامه را مطرح کرد.

اشکال دوم:

مقصود این دو روایت از عمره‌ای که نمی‌توان در سال دو بار انجام داد، عمره تمتع است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۱)

پاسخ:

خود ابن‌ابی‌عقیل، که قائل به این نظریه است، این احتمال را رد کرده و معتقد است این احتمال از ائمه علیهم‌السلام نقل نشده و روایت اطلاق دارد و شامل عمره مفرده نیز می‌شود. وی چنین می‌نویسد:

وقد تأول بعض الشيعة هذا الخبر على معنى الخصوص، فزعمت أنّها في المتمتع خاصّة، فأما غيره فله أن يعتمر في أي الشهور شاء، و كم شاء من العمرة، فإن يكن

ما تأولوه موجوداً في التوقيف عن السادة آل الرسول ﷺ فمأخوذ به، وإن كان غير ذلك من جهة الاجتهاد والظن، فذلك مردود عليهم، وراجع في ذلك كله إلى ما قالته الأئمة عليهم السلام. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۹)

اشکال سوم:

این نظریه مستلزم عسر و حرج است؛ چون قطعاً بسیاری مجبورند در طول سال بارها و بارها وارد مکه شوند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۴۶۵) و اگر قرار باشد عمره مجدد در طول سال مشروعیت نداشته باشد، ورود مجدد آنان بدون احرام ممکن نخواهد بود و این، موجب عسر و حرج بر آنان می‌شود.

پاسخ:

وقتی کسی قائل به این نظریه شد، باید ورود بدون احرام به مکه را نیز در طول سال جایز بداند. پس دیگر عسر و حرجی پیش نمی‌آید و اتفاقاً جواز ورود به مکه بدون احرام آسان‌تر از لزوم احرام و انجام عمره در هر ماه است.

اشکال چهارم:

این روایت مخالف سیره متشرعه است (همانجا)؛ چراکه سیره مسلمین و متشرعه بر ورود چند باره آنان به مکه در طول سال و انجام عمره است.

پاسخ:

سیره سند مستقل برای کشف شریعت نیست و آنچه اعتبار دارد، سنت تقریری معصوم علیه السلام است که در اینجا وجود ندارد یا لااقل اثبات نشده است.

اشکال پنجم:

این روایات معرض عنہ اصحاب است و حتی خود عبارت ابن ابی عقیل نیز صراحت در مدعا ندارد (همان، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۴۶۳) و تصریح می‌کند که برخی از اصحاب این روایات را تأویل کرده‌اند. از سوی دیگر اعراض اصحاب از

روایتی - چنانچه آن روایت از نظر سندی هم صحیح باشد - باعث وهن روایت می‌شود؛ تا جایی که گفته‌اند: «كَلِمَا اِزْدَادَتْ صِحَّةً اِزْدَادَتْ ضَعْفًا» (شریف کاشانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۷۴؛ بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۸۹)؛ یعنی هر اندازه سند روایت معرض عنه قوی‌تر باشد، اعراض اصحاب نشانه ضعف بیشتر آن است؛ چون حتماً روایت از نظر سند یا دلالت مشکلی داشته که اصحاب با وجود صحت آن و با تمام اختلافاتی که در مبانی داشته‌اند، به مضمون آن عمل نکرده‌اند. (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۵۴)

این اشکال، تنها اشکال وارد بر این روایات است.

روایت سوم: موقوفه زراره

عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا
وَالْمَرْوَةِ أَحَلَّ أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مِنْ اِعْتَمَرَ فِي عَامِهِ ذَلِكَ أَوْ سَاقَ الْهُدْيِ وَأَشْعَرَهُ
وَقَلَّدَهُ. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۵۶)

تقریب استدلال:

از استثنای مطرح شده در این روایت که فرموده است: «مگر اینکه در آن سال عمره به جا آورده باشد»، مشخص می‌شود اگر کسی پیش‌تر در آن سال عمره به جا آورده باشد، عمره‌اش صحیح نخواهد بود و محل نخواهد شد. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۲۱)

اشکال:

اولاً روایت در مقام بیان حکم دیگری است و نمی‌توان از اطلاق آن استفاده کرد؛ ثانیاً با توجه به ذیل روایت (أَوْ سَاقَ الْهُدْيِ وَأَشْعَرَهُ وَقَلَّدَهُ) مشخص می‌شود مقصود از عمره در این روایت، عمره تمتع است.

نتیجه اینکه با توجه به عدم تمامیت ادله، نمی‌توان این نظریه را پذیرفت.

ادله نظریه دوم (هر ماه یک عمره)

روایت اول: صحیحه ابن حجاج

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام فِي كُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ.
(حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۷)

روایت دوم: صحیحه معاویه بن عمار

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ عليه السلام يَقُولُ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ. (همان،
۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۸)

روایت سوم: صحیحه بزندی

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرِّضَا عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ. (همان، ۱۴۰۹ق،
ج ۱۴، ص ۳۱۰)

روایت چهارم: صحیحه اسحاق بن عمار

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام السَّنَةُ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا يُعْتَمَرُ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ.
(همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۹)

روایت پنجم: موثقه اول یونس بن یعقوب

عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ فِي كُلِّ شَهْرٍ
عُمْرَةٌ. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۸)

روایت ششم: موثقه دوم یونس بن یعقوب

عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ كَانَ عَلِيُّ عليه السلام يَقُولُ لِكُلِّ شَهْرٍ
عُمْرَةٌ. (همانجا)

تقریب استدلال:

این روایات، که همگی از نظر سند معتبر هستند، (بیشتر آنها صحیحه و برخی

موثقه می‌باشند)، ظهور در این دارند که در هر ماه یک عمره بیشتر مشروع نیست.
اشکال:

هیچ کدام از روایات بر عدم مشروعیت بیش از یک عمره در ماه دلالت ندارد؛ بلکه همه روایات می‌گویند: انجام یک عمره در هر ماه مشروع است. اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. بلکه احتمال دارد این روایات در مقام بیان تأکید استحباب انجام عمره در هر ماه باشد (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۴۶۶)؛ یعنی بهتر است کسی که توانایی دارد، لااقل هر ماه یک بار عمره به جا آورد.

پاسخ:

درست است که این روایات بر عدم مشروعیت عمره در کمتر از یک ماه دلالت ندارد، اما از آنجا که عمره از عبادات است و عبادات توقیفی هستند، مشروعیت انجام عمره در کمتر از یک ماه نیازمند دلیل است. پس اگر ادله دو نظریه بعدی تام نباشد، این نظریه ثابت می‌شود.

در جمع بین روایات مفصلاً به این موضوع خواهیم پرداخت.

برخی از فقها (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۱) برای اثبات این نظریه، روایاتی به عنوان مؤید مطرح کرده‌اند:

مؤید اول:

کسی که عمره‌اش را باطل کند، باید تا ماه دیگر منتظر بماند و دوباره محرم شود و عمره به جا آورد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۱۲۸ و ۱۲۹) اگر انجام عمره در کمتر از یک ماه جایز بود، انتظار تا پایان ماه لازم نبود.

اشکال:

لزوم صبر تا ماه آینده برای قضای عمره باطل شده، در واقع کفاره‌ای است برای باطل کردن عمره که نمی‌توان از آن حکم عدم مشروعیت انجام عمره مجدد در

طول ماه را استفاده کرد.

مؤید دوم:

کسی که از مکه خارج شده، اگر در همان ماه برگردد، لازم نیست دوباره محرم شود؛ اما اگر در ماه بعد برگردد، باید محرم شود. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۰۳ و ۳۰۴) پس معلوم می‌شود انجام عمره در کمتر از یک ماه مشروع نیست.

اشکال:

عدم لزوم انجام عمره در طول یک ماه غیر از عدم جواز و عدم مشروعیت آن است؛ یعنی هر کسی با احرام وارد مکه شد، تا یک ماه حق دارد از مکه خارج شود و بدون احرام برگردد؛ اما اگر بازگشتش پس از یک ماه بود، باید دوباره محرم شود و عمره انجام دهد. این مطلب منافاتی با این ندارد که شخصی که در طول ماه برگشته، نتواند دوباره محرم شود.

ادله نظریه سوم (هر ده روز یک عمره)

روایت اول: روایت اول ابن ابی حمزه

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مَكَّةَ فِي السَّنَةِ الْمَرَّةَ وَالْمَرَّتَيْنِ وَالْأَرْبَعَةَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلَ فَلْيَدْخُلْ مُلْتَبِئًا وَإِذَا خَرَجَ فَلْيَخْرُجْ مُحَلًّا. قَالَ: وَلِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ. فَقُلْتُ: يَكُونُ أَقَلُّ؟ فَقَالَ: فِي كُلِّ عَشْرَةِ أَيَّامٍ عُمْرَةٌ. ثُمَّ قَالَ: وَحَقِّكَ لَقَدْ كَانَ فِي عَامِي هَذِهِ السَّنَةِ سِتُّ عُمَرٍ. قُلْتُ: وَلَمْ ذَاكَ؟ قَالَ: كُنْتُ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بِالطَّائِفِ وَكَانَ كَلِمًا دَخَلَ دَخَلْتُ مَعَهُ. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۸)

تقریب استدلال:

فارغ از بحث سندی، که مفصلاً خواهد آمد، از نظر دلالت، روایت ظهور در این دارد که شخص در فاصله ده روزه می‌تواند با احرام و عمره وارد مکه شود.

اشکال اول:

این روایت ظهور در این دارد که کسی که مکرراً وارد مکه می‌شود، در فاصله ده روز باید محرم شود و عمره به جا آورد. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۲۱) این دلیل نمی‌شود که میزان معتبر در عمره مجدد ده روز باشد.

پاسخ:

درست است که سؤال در مورد ورود مکرر به مکه است، اما پاسخ امام علیه السلام، که ابتدا فاصله یک ماهه و سپس فاصله ده روزه را ملاک دانسته، اطلاق دارد.

روایت دوم: روایت دوم ابن ابی حمزه

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ قَالَ قُلْتُ: أَيَكُونُ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِكُلِّ عَشْرَةِ أَيَّامٍ عُمْرَةٌ. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۹)

تقریب استدلال:

این روایت نیز فارغ از بحث سندی، در فاصله ده روزه بین دو عمره ظهور دارد.

اشکال:

در این روایت، همچون روایت قبل، ابتدا امام علیه السلام فاصله یک ماهه را مطرح فرموده است و وقتی راوی می‌پرسد: «آیا کمتر از این فاصله نیز ممکن است؟»، امام پاسخ می‌دهد: «هر ده روز یک بار». بنابراین مشخص می‌شود این زمان‌ها، بیان تأکید استحباب در این فاصله‌هاست.

پاسخ:

این دو روایت به خاطر سیاق پرسش و پاسخ، در بیان تحدید ظهور دارند. از این رو این اشکال، که بر ادله نظریه سوم وارد است، بر این دو روایت وارد نمی‌شود. بنابراین از حیث دلالت، اشکالی بر دو روایت وارد نیست و تنها اشکال در سند روایت است.

اشکال سندی:

علی بن ابی حمزه بین شمالی ثقه (کشی، ۱۴۹۰ق، ص ۲۰۳ و ۴۰۶) و بطائنی ضعیف مشترک است که از اعمده وقف و مؤسسین فرقه واقفیه است (کشی، ۱۴۹۰ق، ص ۴۰۳، ۴۰۵ و ۴۴۴؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۰)؛ اما از آنجا که اولاً شمالی روایت فقهی ندارد و ثانیاً با توجه به اینکه شیخ صدوق روایت اول را از طریق قاسم ابن محمد نقل کرده و قاسم بن محمد هم بیشتر روایاتش از بطائنی است، مشخص می‌شود هر دو روایت به خاطر وجود بطائنی، ضعیف است.

اشکال اول:

روایات بطائنی مورد قبول است؛ زیرا وی و همدستانش پس از تأسیس فرقه واقفیه، همچون «کلاب ممتوره» شده و کسی از آنها روایت نقل نمی‌کرد. پس اگر با سندی صحیح از این افراد روایتی نقل شده باشد، مشخص می‌شود روایت برای قبل از زمان وقف بوده و مورد قبول است.

پاسخ:

اولاً امر امامت از همان ابتدا برای همه روشن نبود و تا مدت‌ها بسیاری از بزرگان اصحاب در قضیه تردید داشتند تا اینکه با روشنگری افرادی همچون یونس بن عبدالرحمان و... امر امامت امام رضا علیه السلام بر همگان روشن شد؛ ثانیاً مطرود بودن این عده بین اصحاب و عدم نقل روایت از آنها ادعایی است که نیازمند شواهد تاریخی است.

اشکال دوم:

هرچند بطائنی ضعیف است، اما با توجه به عمل بسیاری از قدما به این دو روایت، ضعف سند جبران می‌شود؛ چون همان‌طور که اعراض اصحاب موجب وهن سند می‌شود، عمل اصحاب نیز جابر ضعف سند است. از آنجا که بزرگانی از قدما همچون شیخ طوسی این نظریه را پذیرفته‌اند و امثال محقق و علامه در برخی از آثار خود، عمره کمتر از ده روز را مکروه دانسته‌اند، مشخص می‌شود فقها به این

دو روایت توجه داشته و به نظر آنان روایت از جهت سند ایرادی نداشته است.

پاسخ:

اجتهاد فقها بر ما حجت نیست. وقتی خود شیخ طوسی در جای جای کتب خود بطائنی را تضعیف کرده (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۷، ۴۲، ۴۴ و ۲۱۳) و حتی تضعیف امام رضا علیه السلام نسبت به او را نقل کرده است،^۱ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۹) چگونه می‌توان به خاطر یک نظریه، روایت را تصحیح کرد؛ چون همان‌طور که ممکن است اتخاذ این نظریه توسط وی به خاطر وثاقت بطائنی باشد، ممکن است به خاطر موثوق الصدور بودن روایت برای او یا وجود قرآینی بر صحت روایت نزد او یا وجود روایات دیگری که به دست ما نرسیده، بوده باشد. بنابراین اجتهاد شیخ برای ما حجت نیست. بیشتر فقهای دیگری هم که این نظریه را اتخاذ کرده‌اند، تابعین شیخ به شمار می‌روند. حکم به کراهت در کمتر از ده روز توسط محقق و علامه نیز چیزی را ثابت نمی‌کند؛ چراکه حکم به کراهت توسط ایشان در واقع رعایت جانب احتیاط است.

اشکال سوم:

از کجا معلوم است علی بن ابی حمزه ثمالی روایت فقهی ندارد. شاید بسیاری از علی بن ابی حمزه‌های مطلقاً که در روایات آمده، ثمالی ثقه باشد.

پاسخ:

چون دلیلی بر اینکه راوی این دو روایت ثمالی ثقه باشد، نداریم، راوی روایت بین ثمالی و بطائنی مشترک می‌شود و در نتیجه روایات قابل اعتماد نخواهد بود. افزون بر اینکه کثرت روایت قاسم بن محمد از بطائنی در نقل شیخ صدوق، کار را مشکل‌تر می‌کند. بنابراین با وجود اینکه دلالت این دو روایت بر فاصله ده روزه تام است، اما با توجه به ضعف سندی دو روایت، نمی‌توان این نظریه را با استناد

۱. (فما استبان لهم کذبہ؟).

به این روایات پذیرفت.

روایت سوم: مرسله صدوق

اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَ عُمَرٍ مُتَّفَرِّقَاتٍ كُلُّهَا فِي ذِي الْقَعْدَةِ؛ عُمْرَةً أَهْلَ فِيهَا مِنْ عُسْفَانَ وَهِيَ عُمْرَةُ الْحُدَيْبِيَّةِ، وَعُمْرَةً الْقَضَاءِ أَحْرَمَ فِيهَا مِنَ الْجُحْفَةِ، وَعُمْرَةً أَهْلَ فِيهَا مِنَ الْجِعْرَانَةِ وَهِيَ بَعْدَ أَنْ رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ غَزْوَةِ حُنَيْنٍ. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۵۱)

تقریب استدلال:

این مرسله صدوق بر نظریه سوم دلالت دارد. مرسلات شیخ صدوق، طبق مبنای برخی، حجت است؛ زیرا نسبت جزمی شیخ صدوق، حاکی از موثوق الصدور بودن روایت نزد ایشان است که قطعاً ناشی از اجتهاد وی نیست؛ بلکه یا به خاطر وثاقت تمام واسطه‌هاست یا به خاطر تواتر یا استفاضه روایت است یا به خاطر این است که روایت محفوف به قرائن حسیه‌ای بوده که اگر آن قرائن به دست ما می‌رسید، ما هم اطمینان به صدور پیدا می‌کردیم. پس مرسلات جزمی شیخ صدوق معتبر است. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۸۱)

این روایت معتبر دلیل بر این است که انجام عمره هر ده روز یک بار صحیح است؛ زیرا رسول خدا ﷺ سه عمره در یک ماه انجام داده است. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱)

اشکال:

اولاً مبنای اعتبار مرسلات صدوق پذیرفته نیست؛ زیرا همان‌طور که ممکن است صحت روایت نزد شیخ صدوق به خاطر صحت سند و وثاقت روات باشد، ممکن است حکم به صحت به خاطر قرائنی بوده باشد که باعث اطمینان ایشان شده که اگر آن قرائن به دست ما می‌رسید، برای ما این اطمینان حاصل نمی‌شد. بنابراین نمی‌توان مرسلات شیخ صدوق را پذیرفت.

ثانیاً بر فرض صحت سند، در این روایت تصریح نشده که هر سه عمره در

ذی القعدة یک سال انجام گرفته باشد؛ شاید در سه سال این عمره‌ها انجام شده باشد. ثالثاً همین روایت با سند صحیح در کافی از معاویه بن عمار نقل شده، ولی تفاوت در این است که در نقل کافی، کلمه «کُلُّهَا» در عبارت «ثَلَاثَ عُمَرٍ مُتَّفَرِّقَاتٍ كُلُّهَا فِي ذِي الْقَعْدَةِ» نیامده است:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَ عُمَرٍ مُتَّفَرِّقَاتٍ: عُمَرَةً فِي ذِي الْقَعْدَةِ أَهْلًا مِنْ عُسْفَانَ وَهِيَ عُمَرَةُ الْحُدَيْبِيَّةِ، وَعُمَرَةً أَهْلًا مِنَ الْجُحْفَةِ وَهِيَ عُمَرَةُ الْقَضَاءِ، وَعُمَرَةً أَهْلًا مِنَ الْجِعْرَانَةِ بَعْدَ مَا رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ غَزْوَةِ حُنَيْنٍ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵۱)

بنابراین طبق این نقل، تنها عمره اول در ذی القعدة بوده و در مورد ماه انجام بقیه عمره‌ها ساکت است.

رابعاً بر فرض صحت سند و تمامیت دلالت، این روایت که نقل فعل رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، همان‌طور که می‌تواند دلیل برای این نظریه (ده روز) باشد، می‌تواند دلیل بر نظریه چهارم (عدم لزوم فاصله) نیز باشد؛ زیرا روایت، سه عمره رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در عرض یک ماه نقل کرده و از کجا معلوم حضرت بین هر عمره ده روز فاصله انداخته باشد؟! شاید دو عمره در یک ده روز انجام گرفته باشد!

نتیجه اینکه هیچ یک از سه روایتی که برای اثبات فاصله ده روزه بین دو عمره مطرح شد، نتوانست مدعا را اثبات کند.

ادله نظریه چهارم (عدم لزوم فاصله)

دلیل اول: اطلاق روایات مشروعیت و استحباب عمره

- عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَالْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمَرَةُ. (حر عاملی،

۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۹۸)

- وَقَالَ الرَّضَاءُ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۱)

- رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: الْحَجَّةُ ثَوَابُهَا الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ ...

(همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۲)

تقریب استدلال:

در این روایات، حج اصغر بودن عمره، ثواب عظیم و کفاره گناهان بودن آن مقید به زمان نشده و مطلقاً مشروع و دارای ثواب دانسته شده است. (علم الهدی،

۱۴۱۷ق، ص ۳۰۸)

اشکال:

این روایات در مقام بیان فضیلت عمره هستند و از این جهت اطلاق ندارند.

پاسخ:

این روایات مجمل نیستند؛ بلکه در عدم لزوم فاصله ظهور اطلاق دارند. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۴۶۵) الا ان یقال: پذیرفتن اطلاق برای این روایات، که در مقام بیان فاصله نیستند، مشکل است.

دلیل دوم: صحیحه معاویه بن عمار

- عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الْمُعْتَمِرُ يَعْتَمِرُ فِي أَيِّ شَهْرِ السَّنَةِ شَاءَ.

(حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۳)

تقریب استدلال:

این روایت تمامی ماه‌های سال را دارای صلاحیت برای انجام عمره می‌داند و از جهت فاصله بین آنها اطلاق دارد و از آنجا که در مقام بیان زمان مشروعیت عمره است، قطعاً در مقام بیان بوده و مقدمات حکمت برای اطلاق‌گیری تام است.

(مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹۴)

اشکال بر هر دو دلیل:

این روایات مطلق است و توسط روایات دسته دوم تقیید می خورد.

پاسخ:

بحث در دلالت فی نفسه روایات است؛ نه جمع بین این روایات و روایات دسته‌های دیگر. بحث جمع بین روایات مفصلاً خواهد آمد.

دلیل سوم:

تکرار مطلق عبادات - از جمله عمره - از ارتکازات متشرعه است. (سبزواری،

۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۱۲)

اشکال:

ارتکازات عرف تنها در فهم واژه یا تفسیر و فهم دلالت دلیل حجیت دارد و صرف ارتکاز به طور مستقل، دلیل و حجت بر حکم شرعی نیست.

دلیل چهارم: تسامح در ادله سنن

تسامح در مستحبات و اخبار «مَنْ بَلَغَ» مقتضای ترتب ثواب بر انجام عمره‌ای است که در کمتر از ده روز دوباره انجام شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق،

ج ۲۰، ص ۴۶۴)

اشکال:

در جای خود ثابت شده که قاعده تسامح در ادله سنن، در جایی مطرح می شود که مشروعیت عمل به دلیل متقن ثابت شده باشد و بخواهیم با روایت ضعیف‌السندی ثواب خاصی برای آن عمل ثابت کنیم، که آن هم استحباب عمل و استحقاق ثواب را ثابت نمی کند؛ بلکه به خاطر حسن فاعلی مکلف و امثال دستور رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و از باب تفضل الهی، تنها ثواب برای انجام‌دهنده آن ثابت است. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۹۷؛ شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۳۲۷) در محل بحث ما، اصل مشروعیت انجام عمره در هر روز

اثبات نشده است. افزون بر اینکه مشکل ما در سند روایات نیست؛ بلکه دلالت روایات از حیث اطلاق نداشتن یا تقیید خوردن اطلاقات، محل اشکال است.

دلیل چهارم: شهرت فتوایی

همان‌طور که ضمن اقوال مطرح شد، سید مرتضی این نظریه را به اصحاب نسبت داده است. تعداد قائلان به این نظریه نیز این نسبت را تأیید می‌کند. بنابراین این نظریه، نظریه مشهور بین فقهاست.

اشکال:

اولاً شهرت به عنوان دلیل مطرح نیست؛ بلکه یکی از مرجحات منصوصه است که در فرض تعارض و تعادل روایات مطرح می‌شود.

ثانیاً علت اینکه از میان قدما سید مرتضی و ابن ادریس این نظریه را پذیرفته‌اند، این است که ایشان خبر واحد را حجت نمی‌دانسته‌اند. از این رو روایات دسته‌های دیگر را، که اخبار آحاد هستند، کنار گذاشته‌اند. پس در واقع، اختلاف مبنایی است و مشهور، که خبر واحد را حجت می‌دانند، نمی‌توانند این نظریه را انتخاب کنند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹۴) البته واضح است فقهایی که خبر واحد را حجت می‌دانند، اگر ادله این دسته از روایات تام باشد، مانعی از پذیرش نظریه سید مرتضی برای آنها وجود ندارد.

ثالثاً با دقت در اقوال فقها مشخص می‌شود هم میان قدما و هم میان متأخران، نظریات دیگر نیز قائلینی دارد و شهرت ثابت نیست؛ هرچند بعید نیست شهرت ثابت باشد.

جمع بین روایات

روایات دسته اول، که بر فاصله یک ساله دلالت دارد، معرض عنه اصحاب است و به همین خاطر کنار گذاشته می‌شود؛ اما از آنجا که تأویل روایت اولی از طرح

است، بهتر است این روایات را یا بر عمره تمتع حمل کنیم یا آنها را تقیه‌ای بدانیم. روایات دسته سوم، از نظر سندی مشکل داشت و بر فرض صحت سند، با توجه به پاسخ اولیه امام علیه السلام مبنی بر لزوم فاصله یک ماهه و سؤال راوی و پاسخ دوباره امام علیه السلام (فاصله ده روزه) در این روایات، بعید نیست فاصله‌ها بیان مراتب فضیلت عمره‌ها باشد؛ به این معنا که هر چقدر فاصله زمانی بین دو عمره بیشتر شود، انجام عمره مجدد مؤکدتر خواهد بود.

بنابراین تنها روایات دسته دوم (فاصله یک ماهه) و روایات دسته چهارم (عدم لزوم فاصله) باقی می‌ماند؛ همان‌طور که ضمن اشکال و جواب‌های نظریه دوم گفتیم، اگر دلیلی بر مشروعیت انجام عمره مجدد در کمتر از یک ماه وجود داشته باشد، که این نظریه (عدم لزوم فاصله) ثابت می‌شود؛ وگرنه نظریه دوم (یک ماه) ثابت است و از آنجا که هیچ کدام از روایات دسته دوم بر عدم مشروعیت بیش از یک عمره در ماه دلالت نداشت و با توجه به تمامیت برخی از ادله دسته چهارم، نظریه چهارم ثابت می‌شود.

بر فرض که هر دو روایت در یک سطح باشند و بخواهیم به سراغ جمع بین روایات برویم، باید ابتدا بین روایات جمع عرفی کنیم و در صورت عدم وجود جمع عرفی و استقرار تعارض، با کمک مرجحات منصوصه (شهرت، موافقت کتاب و مخالفت عامه) یک دسته را مقدم نماییم و در انتها به سراغ اصول عملیه برویم:

وجه اول جمع عرفی:

عرفی‌ترین وجه جمع بین روایات، اطلاق و تقيید است؛ روایات دسته چهارم از حیث زمان اطلاق دارد و روایات دسته دوم این اطلاق را به یک ماه تقيید می‌زند. بنابراین روایات دسته دوم مقدم می‌شود.

اشکال:

هیچ کدام از روایات دسته دوم (یک ماه) بر عدم مشروعیت بیش از یک عمره

در ماه دلالت ندارد؛ بلکه همه روایات می‌گویند: انجام یک عمره در هر ماه مشروع است. بنابراین مقیدی برای اطلاعات وجود ندارد و با این بیان، اصلاً بین دو دسته از روایات تنافی وجود ندارد؛ بلکه یک دسته مشروعیت انجام عمره در هر زمانی را ثابت می‌کند و دسته دیگر افضلیت و تأکید استحباب لااقل یک بار در ماه را اثبات می‌نماید.

وجه دوم جمع عرفی:

با توجه به اشکال بر جمع قبل، مشخص می‌شود دو دسته بودن روایات و تعیین فاصله، برای بیان مراتب فضیلت و استحباب عمره‌هاست؛ یعنی هر چقدر فاصله زمانی بین دو عمره بیشتر شود، انجام عمره مجدد مؤکدتر خواهد بود و استحباب بیشتری خواهد داشت (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۵) یا روایات دسته چهارم به خاطر روایات دسته‌های دیگر، بر کراهت (کم‌شدن ثواب) حمل می‌شود. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۴۶۴) با این بیان می‌توان بین هر چهار دسته جمع کرد: به این بیان که انجام عمره در هر زمانی مشروع است. وقتی ده روز فاصله افتاد، این استحباب تأکید پیدا می‌کند و وقتی یک ماه فاصله شد، استحباب مؤکدتر شده و در صورت فاصله یک ساله، این استحباب به بالاترین نقطه تأکید می‌رسد.

تعادل و ترجیح:

با توجه به تمامیت وجه جمع دومی که مطرح شد، نوبت به تعادل و ترجیح نمی‌رسد؛ اما شایسته است بر فرض عدم امکان جمع بین روایات، مرجحات منصوصه (شهرت، موافقت کتاب و مخالفت عامه) را در مورد این دو دسته از روایات بررسی کنیم:

در مورد اینکه کدام یک از شهرت‌ها مرجح بین روایات متعارض است، اختلاف وجود دارد. از این رو ما به هر سه شهرت اشاره می‌کنیم. همان‌طور که گفتیم، شهرت فتوایی وجود ندارد و هر دو دسته، قائلینی دارد؛ بلکه با توجه به فرمایش سید

مرتضی، بعید نیست نظر قدمای اصحاب امامیه را نظریه چهارم دانست. شهرت عملی نیز با هیچ کدام از دو دسته نیست؛ چراکه اصحاب به هر دو دسته از روایات عمل کرده‌اند و از هیچ یک اعراض نکرده‌اند؛ اما شهرت روایی (تعداد روایات) با دسته دوم (یک ماهه) است.

موافقت کتاب با دسته چهارم است؛ چراکه آیه شریفه ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره: ۱۹۶) از جهت تکرار عمره اطلاق دارد.

مخالفت با عامه نیز مؤید دسته دوم است؛ زیرا فقهای اهل سنت یا قائل به نظریه اول (یک ساله) هستند یا قائل به نظریه دوم (یک ماهه) و ظاهراً کسی نظریه چهارم را مطرح نکرده است.

بنابراین هر یک از مرجحات با یکی از نظریات موافقت دارند.

اصول عملیه:

بر فرض اینکه در هیچ یک از مراحل پیش به نتیجه نرسیم و بخواهیم به سراغ اصول عملیه برویم، باید بگوییم: شاید برخی تصور کنند با اصل براءت می‌توان عدم لزوم فاصله برای انجام عمره مجدد را اثبات کرد؛ اما واضح است که چون عمره عبادتی توقیفی است و برای مشروعیت آن نیازمند دلیل هستیم، در صورت شک، قدر متیقن صحت عمره‌ای است که با فاصله یک ماهه انجام گرفته باشد.

سه فرع:

در کلمات فقها سه فرع مطرح شده که با توجه به نظریه اتخاذ شده (نظریه چهارم) طرح این سه فرع، تأثیری در بحث ما ندارد؛ اما بر فرض کسی قائل به یکی دیگر از نظرات باشد، باید این سه فرع را بررسی کند:

فرع اول: مقصود از فاصله یک ماهه

اگر کسی قائل به نظریه دوم باشد، باید بداند که مقصود از یک ماه چیست؟

آیا مقصود گذشت سی روز است یا مقصود عوض شدن ماه قمری است؟ هرچند متبادر از ماه (شهر) در آیات و روایات، گذشت سی روز است؛ در این آیات دقت کنید:

- ﴿لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ﴾ (بقره: ۲۲۶)

- ﴿فَاسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾ (توبه: ۲)

- ﴿إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ﴾ (طلاق: ۴)

اما در محل بحث ما با توجه به روایات، می توان ادعا کرد که مقصود، تغییر ماه قمری است؛ زیرا قطعاً صحیحه اسحاق بن عمار،^۱ که ملاک را ماه قمری مطرح کرده، اطلاق دارد و شامل دو عمره ای می شود که یکی در آخر ماه قمری باشد و عمره دوم در ابتدای ماه بعد و بین دو عمره سی روز فاصله نیفتد یا در روایاتی که به عنوان مؤید نظریه دوم مطرح شد، تغییر ماه قمری - و نه گذشت سی روز - مطرح شده است: ﴿حَتَّىٰ يَخْرُجَ الشَّهْرُ الَّذِي اعْتَمَرَ فِيهِ﴾.

بنابراین برخلاف نظر برخی، که سی روز را ملاک می دانند، (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۸۰)، به نظر می رسد حق با کسانی است که تعویض ماه قمری را برای انجام عمره مجدد کافی می دانند. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۵۴)

فرع دوم: تأثیر اینکه عمره از طرف خود باشد یا دیگری

کسی که یکی از سه نظریه اول را انتخاب کند، آیا اگر عمره مجدد به نیابت از طرف شخص دیگری باشد، در لزوم فاصله (ده روز یا یک ماه یا یک سال) تأثیری دارد یا نه؟

به نظر می رسد ملاک های مطرح شده ناظر به عدم مشروعیت انجام عمره در کمتر از ملاک مطرح شده از طرف خود شخص است؛ یعنی با توجه به ادله مطرح

۱. (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا عَشْرُ شَهْرٍ يُعْتَمَرُ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ).

شده، هر شخص مکلف به انجام یک عمره در محدوده زمانی مشخص است. پس اگر شخص، عمره اول را از طرف خودش یا شخص خاصی انجام دهد، می‌تواند در کمتر از فاصله معتبر از طرف شخص دیگری غیر از شخص اول عمره به جا آورد. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۵۴)

فرع سوم: فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده

تمامی مباحث مطرح شده در مورد فاصله بین دو عمره مفرده بود؛ اما طبق تمامی مبانی و دیدگاه‌های مطرح شده، فاصله‌ای بین عمره تمتع و عمره مفرده وجود ندارد و شخص می‌تواند قبل از انجام عمره تمتع یا بلافاصله پس از حج تمتع و پیش از گذشت فاصله معتبر از زمان عمره تمتع، محرم به عمره مفرده شود. البته واضح است که انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع ممنوع است. (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۴۵)

افزون بر تمامی این مباحث، طبق تمامی نظرات، قطعاً انجام عمره مجدد، بدون در نظر گرفتن فاصله، رجائاً و به امید ثواب اشکالی ندارد.

نتیجه

در مورد میزان معتبر در فاصله بین دو عمره مفرده، چهار نظریه بین فقهای امامیه مطرح است: لزوم فاصله یک ساله، لزوم فاصله یک ماهه، لزوم فاصله ده روزه و عدم لزوم فاصله، که هر یک از این دیدگاه‌ها متکی به ادله‌ای فقهی هستند. پس از بررسی ادله، مشخص می‌شود اکثر قریب به اتفاق فقهای امامیه از نظریه اول اعراض کرده‌اند. از این رو قطعاً فاصله یک ساله قابل قبول نیست و انجام یک عمره در هر ماه مشروع است؛ بلکه نتیجه جمع بین روایات دسته‌های دیگر، این است که فاصله خاصی برای انجام عمره مجدد معتبر نیست و بیان زمان‌های مختلف (ده روز، یک ماه و یک سال)، بیان مراتب فضیلت عمره‌هاست و هر چقدر فاصله

زمانی بین دو عمره بیشتر شود، انجام
عمره مجدد مؤکدتر خواهد بود. بنابراین
نظریه چهارم ثابت است و عمره گزار، به
هر تعداد که بخواهد، می تواند عمره به
جا آورد.

فهرست منابع

۸. ابن قدامة، عبدالله بن احمد، (بی تا)،
المغنی، بیروت، دارالکتب العربی.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق.)،
لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
۱۰. ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم،
(۱۴۰۳ق.)، الکافی فی الفقه، اصفهان،
کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۱۱. اشتهازدی، علی پناه، (۱۴۱۷ق.)، مدارک
العروة، تهران، دارالأسوة للطباعة و النشر.
۱۲. افتخاری، علی، (۱۴۲۸ق.)، آراء المراجع
فی الحج (بالعربیة)، تهران، نشر مشعر.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق.)،
الحدائق الناضرة فی أحكام العترة
الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. بروجردی، سیدحسین، (۱۴۱۶ق.)،
تقریر بحث السیدالبروجردی، قم، دفتر
انتشارات اسلامی.
۱۵. بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۶ق.)، جامع
المسائل، چاپ دوم، قم، دفتر معظم له.
۱۶. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۱۵ق.)،
مناسک الحج، قم، دارالصدیقة الشهیدة.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق.)،
الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)،
بیروت، دارالعلم.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق.)،
وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل
- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر،
(۱۳۷۳ش.)، قم، دفتر مطالعات تاریخ و
معارف اسلامی.
۱. آملی، محمدتقی، (۱۳۸۰ق.)، مصباح
الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران،
نشر مؤلف.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بی تا)، النهایة
فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه
مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن ادیس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق.)،
السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر
انتشارات اسلامی.
۴. ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، (۱۴۰۶ق.)،
المهذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن حمزة، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق.)،
الوسيلة الى نیل الفضیلة، قم، انتشارات
کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۶. ابن زهرة، حمزة بن علی، (۱۴۱۷ق.)، غنية
النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم،
مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق.)،
معجم مقاییس اللغة، قم، انتشارات دفتر
تبلیغات اسلامی.

- الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
 ۱۹. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق.)، الجامع للشرائع، قم، مؤسسة سيدالشهداء العلمية.
 ۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، (بی‌تا)، مناسک حج، بی‌جا، بی‌نا.
 ۲۱. خمینی، سیدروح‌الله، (۱۴۲۱ق.)، کتاب الطهارة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۲۲. _____، (بی‌تا)، تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
 ۲۳. خویی، سیدابوالقاسم، (۱۴۱۸ق.)، موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
 ۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق.)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان، سوریه، دارالعلم، الدار الشامية.
 ۲۵. زحیلی، وهبة، (۱۴۰۶ق.)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر.
 ۲۶. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۲۴ق.)، الحج فی الشريعة الإسلامية الغراء، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
 ۲۷. سبزواری، سیدعبدالاعلی، (۱۴۱۳ق.)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، دفتر معظم له.
 ۲۸. سلار، حمزة بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴ق.)، المراسم العلوية و الأحكام النبوية فی الفقه الإمامی، قم، منشورات الحرمین.
 ۲۹. شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۱۰ق.)، الأم، بیروت، دارالمعرفة.
 ۳۰. شاهرودی، سیدمحمود بن علی، (۱۴۰۲ق.)، کتاب الحج، قم، مؤسسه انصاریان.
 ۳۱. شبیری زنجانی، سیدموسی، (۱۴۲۱ق.)، مناسک الحج، قم، مؤسسة الولاء للدراسات.
 ۳۲. شریف کاشانی، ملاحبيب‌الله، (۱۴۲۸ق.)، منتقد المنافع فی شرح المختصر النافع - کتاب الطهارة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۳۳. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰ق.)، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية، بیروت، دارالتراث - دارالاسلامية.
 ۳۴. _____، (۱۴۱۷ق.)، الدروس الشرعية فی فقه الامامية، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰ق.)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، (المحشی - کلاتر)، قم، کتابفروشی داوری.
 ۳۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق.)، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳۷. _____، (۱۴۱۳ق.)، من لا یحضره

- الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٣٨. صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد، (١٤١٤ق.)، المحيط في اللغة، بيروت، عالم الكتاب.
٣٩. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، (١٤٠٤ق.)، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، بيروت، دارالاحياء التراث العربي.
٤٠. صافي گلپايگانی، لطف الله، (١٤٢٣ق.)، فقه الحج، چاپ دوم، قم، مؤسسه حضرت معصومه عليها السلام.
٤١. طباطبایي کربلايي، علي بن محمدعلي، (١٤١٨ق.)، رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٤٢. طوسی، محمد بن حسن، (١٣٧٥ق.)، الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهلستون.
٤٣. _____، (١٣٨٧ق.)، الجمال و العقود في العبادات، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
٤٤. _____، (١٣٨٧ق.)، المبسوط في فقه الإمامية، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٤٥. _____، (١٣٩٠ق.)، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران، دارالكتب الاسلامية.
٤٦. _____، (١٤٠٠ق.)، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، چاپ دوم، بيروت، دارالكتاب العربي.
٤٧. _____، (١٤٠٧ق.)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٤٨. _____، (١٤٠٧ق.)، تهذيب الأحكام، تهران، دارالكتب الإسلامية.
٤٩. _____، (١٤١١ق.)، الغيبة، قم، دارالمعارف الاسلامية.
٥٠. علامه حلي، حسن بن يوسف، (١٤١٠ق.)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٥١. _____، (١٤١١ق.)، تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
٥٢. _____، (١٤١٢ق.)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
٥٣. _____، (١٤١٣ق.)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٥٤. _____، (١٤١٤ق.)، تذكرة الفقهاء، مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٥٥. _____، (١٤٢٠ق.)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم، مؤسسه

۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق.)،
 الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۶۶. کیدری، محمد بن حسین، (۱۴۱۶ق.)،
 إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قم،
 مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۶۷. گلپایگانی، سیدمحمدرضا، (۱۴۱۳ق.)،
 الإحصار و الصد، قم، دارالقرآن الکریم.
۶۸. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین،
 (۱۴۰۹ق.)، کتزالعمال فی سنن الاقوال و
 الافعال، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۶۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۵ق.)،
 شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام،
 قم، المعارف الإسلامية.
۷۰. _____، (۱۴۱۸ق.)، المختصر
 النافع فی فقه الإمامية، چاپ ششم، قم،
 مؤسسة المطبوعات الدينية.
۷۱. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق.)،
 تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت،
 دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
۷۲. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق.)، التحقیق
 فی کلمات القرآن، تهران، مرکز الكتاب
 للترجمة و النشر.
۷۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد،
 (۱۴۰۳ق.)، مجمع الفائدة و البرهان فی
 شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات
 اسلامی.
- امام صادق عليه السلام.
۵۶. علم‌الهدی (سید مرتضی)، علی بن
 حسین، (۱۳۸۷ق.)، جمل العلم و العمل،
 نجف اشرف، مطبعة الآداب.
۵۷. _____، (۱۴۱۷ق.)، المسائل الناصريات،
 تهران، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية.
۵۸. عینی، محمود بن احمد، (بی تا)، عمدة
 القاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵۹. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۸ق.)، تفصیل
 الشريعة فی شرح تحریر الوسيلة - الحج،
 چاپ دوم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۶۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۴ق.)،
 التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم،
 انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی عليه السلام.
۶۱. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق.)،
 كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام،
 قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶۲. فخرالمحققین، محمد بن حسن،
 (۱۳۸۷ق.)، ایضاح الفوائد فی شرح
 مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۶۳. فیض کاشانی، محمدمحسن بن
 شاهمرتضی، (۱۴۰۶ق.)، الوافی، اصفهان،
 کتابخانه امیرالمؤمنین علی عليه السلام.
۶۴. کشی، ابوعمرو محمد بن عمر، (۱۴۹۰ق.)،
 رجال الکشی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه
 مشهد.